ب) فقه الحدیث روایت داود رقی

۱. استشهاد سید بحر العلوم به روایت داود رقی در اجزاء رویت قبل از زوال؛ غدوه ثلاثین

مرحوم سید چه فرمودند؟ ببینیم سید چه فرمودند. سید این روایت را شاهد بر حرف خودشان می‌گیرند. یعنی رؤیت قبل از زوال، مجزی است.

«يعني أنّه إذا طلب الهلال غدوة في جانب المشرق»؛ اگر طرف صبح در جانب مشرق هلال را طلب کردید، **«فلم يرَ»؛** اگر دیده نشد، **«فهو هاهنا- أي في جانب المغرب-»؛** در طرف بعد از ظهرش، **«هلال جديد و اليوم من الشهر الماضي»؛** امروز برای ماه قبل می‌شود چون هلال را ندیدید. صبح نگاه کردید و هلال را ندیدید؛ لذا در غروب، هلال جدید است. وقتی در غروب هلال جدید است فردا اول ماه می‌شود. برای شهر آتی می‌شود.

شاگرد: «رئی او لم یر» به چه معنا است؟

استاد: سید در اینجا چیزی نیاورده اند. به آن می‌رسیم. برای این حدیث پنج معنا ذکر کرده‌اند. چند کتاب هست که به آن‌ها اشاره می‌کنم. بهترین کتابی که پنج وجه را در آن جا ذکر کرده‌اند و یک جا همه را دارند، کتاب «تكميل مشارق الشموس في شرح الدروس» است که برای پسر آقا حسین خوانساری است. الآن عرض می‌کنم.

«فهو طلب فيه»؛ اینجا «فلو» است. نشد به نسخه خطی و کتاب رؤیت هلال مراجعه کنم. این «فهو» نیست.

«فلو طلب فيه»؛ استدلال سید است. پس اگر هلال «غدوات فی جانب المشرق» طلب شد، **«و رئي»؛** و دیده هم شد، **«لم يكن في جانب المغرب هلال جديد»؛** پس دیگر هلال جدید نیست.هلال شب دوم است. در نتیجه یعنی رؤیت قبل از زوال مجزی است و امروز از شهر جدید است. **«بل كان لليلة السابقة، و كان اليوم المذكور»؛** روزی که طلب کردیم و دیدیم، **«من الشهر المستقبل»؛** این هم مختار ایشان است.

«و يستفاد من ذلك أنّ الرؤية قبل الزوال علامة كون الهلال لليّلة السابقة»؛ چون مفهومش این است که اگر آن را دیدی برای شب قبل است. **«كما أنّ عدم الرؤية مع الطلب أمارة كونه لليّلة المستقبلة، و هو المطلوب».**

قبل از اینکه عبارت آقا رضی را بخوانم...؛ این دو برادر هر دو از فضلاء و هر دو آقازاده مرحوم آقا حسین خوانساری هستند. پدرشان مرحوم محقق خوانساری معروف بوده به استاد الکل فی الکل. خیلی بزرگ بوده. در حوزه اصفهان ایشان محوریت داشته. رضوانالله‌علیه! استاد الکل فی الکل. صاحب شرح دروس.

شاگرد: فرمودید در عبارت چیزی حذف شده؟

استاد: «وه» نیست، «لو» است. «فوه طلب» نیست، «فلو طلب» است.

عرض کردم دو آقا زاده آقا حسین خوانساری، یکی آقا جمال هستند که ظاهراً پسر بزرگتر هستند. آقا جمال معروف. یکی هم آقا رضی هستند. آقا رضی خوانساری که شرح پدر بر دروس را تکمیل کردند. عبارات پسر را می‌خوانم.

قبل از اینکه عبارت ایشان را بخوانم یک نکته عرض کنم؛ مرحوم شهید در دروس که اولین نفری هستند که این روایت را آورده‌اند، یک معنایی دارند. به تعبیر پسر آقا حسین خوانساری ظاهر معنا همین است. خود من هم اولین برخوردی که داشتم این معنا به ذهنم آمد. همانی را که شهید فهمیده بودند. مرحوم فیض در وافی و سید بحر العلوم رضوان الله علیهم به‌معنای مختار خودشان گرفته‌اند. یعنی رؤیت قبل از زوال با مفهوم. این هم یک معنا است. سه معنای دیگر هم هست. معناهای دیگری است که در معنای این روایت محتمل است.

تنافی واژه «غدوات» با هلال بعد از طلوع شمس

سؤالی که الآن می‌خواهم ذیل فرمایش سید مطرح کنم این است: ایشان فرمودهاند «یعنی» کما اینکه مرحوم فیض در وافی می‌گویند «اذا طلب الهلال غدوات حیث یطلب». مرحوم فیض اینجا را اضافه بر سید دارند. از «حیث یطلب»ی که فیض فرمودهاند در اینجا سؤال می‌کنم؛ «اذا طلب الهلال غدوات فی جانب المشرق فلم یر فوه ااهنا»؛ طلب الهلال غدوات در چه روزی؟ بیست و نهم ماه یا سی ام ماه؟

شاگرد: سیام باید باشد. صبح بیست و نهم علی القاعده کسی به‌دنبال هلال نمی‌رود.

استاد: بله، این الآن موید حرف سید می‌شود. یعنی سید می‌گویند «اذا طلب الهلال غدوة» در سی ام، «فلم یر فوه ااهنا»؛ یعنی امروز روز سیام است. «فوه ااهنا هلال جدید» یعنی امروز از شهر ماضی است. امروز سیام ماه قبل است. اگر روز سیام شما طلب هلال کنید و آن را نبینید، در روز سیام

اول خورشید طلوع می‌کند ای ماه؟

شاگرد: اول خورشید طلوع می‌کند.

استاد: اول خورشید طلوع می‌کند. اما اگر صبح بیست و هفتم بروید، اول هلال طلوع می‌کند بعد خورشید. اگر صبح بیست و هشتم هم بتوانید ببینید اول هلال طلوع می‌کند و بعد خورشید. به خلاف روز سیام. روز سیام، قطعاً بیست و نه روز گذشته، امروز هلال را قطعاً می‌بینید. چون سی روز است. روز سیام است. چون روز سیام است، پس اگر هلال را ببینید اول خورشید طلوع می‌کند و بعد ماه. چرا؟ چون همینطور به وقت غروب بیایید، در وقت غروب اول خورشید غروب می‌کند و بعد هلال غروب می‌کند.

> 34:31

اینکه ایشان فرمودند «غدوات»، یعنی روز سیام دیده می‌شود، آیا در مورد هلالی که بعد از طلوع شمس در می‌آید، امام تعبیری می‌کنند به «اذا طلب الهلال فی جانب المشرق غدوات»؟! طرف صبح [در فرضی] که خورشید غروب می‌کند اگر روز سیام باشد که قطع داریم هلال نیست، چه طلبی بکنیم؟! بله، باید صبر کنیم خورشید با آن نوری که دارد بیرون بیاید، بعد مقداری صبر کنیم ببینیم هلال طلوع کرده ای نه. این فعلاً شروع سؤال است. مرحوم سید باید این را تعیین کنند. از ایشان معلوم است که وقتی می‌گویند غدوات، یعنی غدوه ثالثین. غیر این هم حرف ایشان معنا نمی‌شود.

۲۰. قول شهید اول در دروس

حال الآن وقتش است که به اقوال دیگر برویم. وقتی فهمیدیم وضعیت هلال نسبت به طلوع شمس به چه صورت است، محتملات می‌آید. شهید اول در دروس از این روایت شریفه مطلبی فهمیده‌اند.

> **و لا عبرة بالعدد، و هو نقيصة شعبان أبدا و تمام رمضان أبدا خلافا للحسن، و لا بالجدول خلافا لشاذّ من الأصحاب، و لا بعدم طلوعه من المشرق في دخول الشهر للّيلة المستقبلة، إلاّ في رواية داود الرقّي، و لا بعدّ خمسة أيّام من الماضية و ستّة من الكبيسيّة إلاّ أن تغمّ الشهور كلّها.[1]**

«و لا عبرة بالعدد»؛ به عدد اعتباری نیست. **«و لا بالجدول»**، **«و لا بعدم طلوعه من المشرق في دخول الشهر للّيلة المستقبلة»؛** اعتباری به عدم طلوع از مشرق نیست. برای چه؟ **«فی عدم دخول الشهر للیلة المستقبلة»** که هلال جدید باشد. **«إلاّ في رواية داود الرقّي»؛** که شهید اشاره می‌کنند؛ که این روایت معمول به نیست و سندش هم ضعیف است. چون این روایت مورد اعتناء نیست، پس لاعبرة بها. این را شهید فرمودند. این اولین جایی است که در کتب فقهی اسم این روایت برده شده است. من پیدا نکردم که ببینیم جایی علماء بزرگ قبل از شهید هم تعرضی، ردی، اشاره‌ای به این روایت کرده‌اند یا نه، پیدا نکردم.

۳. اتحاد برداشت فیض کاشانی و سید بحرالعلوم از روایت داود رقی

بعد از ایشان در وافی مرحوم فیض فرمودهاند:

> **بیان**
>
> **يعني إذا طلب الهلال أول اليوم في جانب المشرق حيث يكون موضع طلبه فلم ير فهو هاهنا أي في جانب المغرب هلال جديد و اليوم من الشهر الماضي سواء رئي في جانب المغرب أو لم ير و قد مضى خبر محمد بن قيس و إسحاق بن عمار في هذا المعنى أيضا في باب علامة دخول الشهر و هذه الأخبار متطابقة متعاضدة لا تعارض فيها عند التحقيق إلا من جهة حديث العبيدي على نسخة الإستبصار كما بيناه و أما على نسخة التهذيب فلا دلالة له على شيء و الظاهر أنه من سهو النساخ.[2]**

«يعني إذا طلب الهلال أول اليوم»؛ غروب یعنی اول الیوم. **«في جانب المشرق حيث يكون موضع طلبه»؛** نه طلوع؛ آن جایی که باید آن را پیدا کنیم. معلوم است که منظور فیض سیام است. برای حرف خودشان و سید شاهدی هم میآورند. میخواهند بگویند روز سیام است، خورشید درآمده، بعد از خورشید هم هلال طلوع کرده، حالا اول الیوم بروید به جایی که میتوان آن را پیدا کرد تا آن را پیدا کنید. وافی فیض به این صورت معنا کردهاند.

شاگرد: تقریباً همان است.

استاد: همان حرف سید است. با حرف شهید فرق دارد.

۴. توضیح قول شهید اول در کتاب «تکمیل مشارق الشموس»

حال به کتاب «تکمیل مشارق الشموس فی شرح الدروس» نوشته آقا رضی، پسر آقا حسین، برادر آقا جمال. مطلبی دارند که می‌گویند «خالی».

> و ال عبرة أيضا بعدم طلوعه أي طلوع القمر من المشرق في دخول الشهر الليلة المستقبلة لأنه ال يطلع في الثامن و العشرين البتة بل و قد ال يطلع في السابع و العشرين أيضا ان دارا في بعض الشهور مع عدم إمكان الشهر الجديد في الليلة المستقبلة و في التاسع و العشرين أيضا قد يدخل و ذلك عند نقصان الشهر و قد ال يدخل عند تمامه فكيف يمكن اعتبار تلك العلامة مع عدم استقامتها إلا في رواية داود الرقي عن أبي عبد اللّه عليه السلام أنه قال إذا طلب الهلال في المشرق غدوة فلم ير فهانه هلال جديد رأي أو لم ير
>
> فالمصنف حمل الرؤية على ظاهرها مع منافرة لفظ الهلال له إلا أن يكون من باب المشاكلة للهلال الجديد المذكور بعده و حكم بعدم اعتبار العلامة لعدم استقامتها كما عرفت مع ضعف سند الرواية
>
> و يحتمل أن يكون المراد أنه إذا طلب الهلال بمعناه المتعارف في المشرق غدوة أي قبل الزوال في الثالثين إذ ال يحتمل طلب الهلال في المشرق قبل الثالثين باعتبار ظهور عدم إمكان الرؤية قبل الزوال فيه فلم ير في ذلك الوقت فهانه أي في جانب الغربي هلال جديد ليس ليلة المامضية سواء رأي بعد الزوال أو لم ير و على هذا يصح ترتب الجزاء على الشرط البتة و يدل الشرط بمفهومه باعتبار قيد فلم ير على أنه إذا طلب قبل الزوال و رأي فهو ليلة المامضية و ليس بجديد و يوافق ما ذهب إليه السيد من اعتبار رؤية الهلال قبل الزوال
>
> و يحتمل أيضا أن يكون المراد بقوله عليه السلام فلم ير أي في الليلة المامضية و يكون الغرض من هذا التقييد و التفريع بيان وجه طلب الهلال غدوة و الإيماء إلى أن المعتبر رؤيته في الليلة المراد بقوله فهانه أي في جانب الغربي هلال جديد ليلة المستقبلة و ليس ليلة المامضية سواء رأي في أثناء النهار و لو في وقت الطلب و قبل الزوال أو لم ير أصال و على هذا فيدل على خالف ما ذهب إليه السيد و يوافق المشهور و يمكن إرجاعها أيضا إلى أحد هذين المعنيين بوجوه أخر من تفسير اللفظ كما ال يخفى على المتأمل
>
> و بالجملة ال يمكن االستدالل بهذه الرواية على شيء من المذاهب و قد نقل عن السيد الفاضل المحقق النائيني رفع مقامه أن المراد من الرؤية أنه إذا طلب الهلال أي القمر بدا المحاق في المشرق غدوة من اليوم السابع و العشرين فلم ير فهانه أي في الليلة التي يحتمل الرؤية فيها و هي ليلة الثالثين هلال جديد سواء رأي أو لم ير و مؤدى الرواية ما ذهب إليه أهل التنجيم من أنه إذا لم يمكن رؤية الهلال في اليوم السابع و العشرين فهو ممكن الرؤية ليلة الثالثين و الشهر ناقص

> **أقول و لا ينبغي الجرأة على القول بمثل تلك الاحتمالات البعيدة عن الفهم و اللفظ في تفسير كلام الصادقين عليهما السلام و أغرب من ذلك ما نقل عن خالي طاب ثراه و لا يطمئن قلبي بإسناد ذلك إليه أعلى اللّه درجته و هو أن المراد بطلب الهلال في المشرق أن يكون الطلب واقعا في المشرق و المقصود أنه إذا فرض الطالب في البلد الشرقي و طلب الهلال غدوة أي غدوتان و أول يومان و إن كان بالنسبة إلى الطالب المفروض آخر يومه لفرضه في المشرق الذي بينه و بين هذا البلد ربع دورة مثلا و لم ير هناك فهاهنا هلال جديد بمعنى أنه قد يكون هلالا جديدا لإمكان خروج الشعاع بعد غروبه بالنسبة إلى أفق الطالب و صيرورته قابلا للرؤية قبل الغروب بالنسبة إلى هذا الأفق ففي الرواية إشارة إلى اختلاف الأفق الشرقي و الغربي في الحكم[3]**

«... و أغرب من ذلك ما نقل عن خالي طاب ثراه و لا يطمئن قلبي بإسناد ذلك إليه أعلى اللّه درجته»؛ می‌فرمایند دایی من هم یک قولی را می‌گویند که از همه اینها غریب تر است. پنجمین قول هم حرف دایی ایشان است. دایی ایشان صاحب ذخیره، محقق سبزواری است. شوهر خواهر محقق سبزواری، آقا حسین خوانساری بودند. خود محقق سبزواری از آقا حسین جلوتر بود. محقق سبزواری در نود وفات کرده، آقا حسین نود و هشت وفات کرده.

شاگرد: صفحه ۴۷۱ بود؟

استاد: بله، با عبارت درس، شرح مزجی است.

«و لا عبرة أيضا بعدم طلوعه أي طلوع القمر من المشرق»؛ ببینید بعداً می‌گویند من نگفتم طلوع هلال، گفتم طلوع القمر. چرا؟ چون عرب، هلال را به ماه شب اول و دوم و سوم می‌گوید، نه ماه بیست و هفتم و بیست و هشتم. ایشان هم می‌خواهند طبق نظر شهید معنا کنند، و آن هلال آخر ماه را بگیرند. لذا می‌گویند «ای طلوع القمر». و حال آنکه خود من مراجعه کرده‌ام، هم از عرف شنیده‌ام و هم از غیر عرف که می‌گویند وقتی صبح بیست و هفتم نگاه کنید، اول هلال ماه را می‌بینید و بعد خورشید را.

این جور نیست که هلال حتماً برای شب اول و دوم و سوم باشد. غلبه برای این است. معمولاً صبح زود نمی‌روند ببینند و الا هر کسی برود ببیند به گمانم بلادرنگ می‌گوید هلال را دیدم. نمی‌گوید ماه را دیدم، به‌معنای مقابل هلال.

حال ایشان می‌گویند خلاف ظاهر است. لذا گفته‌اند: **«ای طلوع القمر من المشرق في دخول الشهر لليلة المستقبلة لأنه لا يطلع في الثامن و العشرين البتة»؛** یعنی در صبح بیست و هشتم به‌هیچ‌وجه ماه قبل از شمس طلوع نمی‌کند. **«بل و قد لا يطلع في السابع و العشرين أيضا»؛** چرا در بیست و هشتم قطعاً طلوع نمی‌کند؟ به‌خاطر اینکه هنوز به مقارنه نرسیده. بیست و نه روز و نیم باید از مقارنه قبلی در شود. خب اینکه می‌گویند قطعا طلوع نمی‌کند به چه معنا است؟ منظورشان هلالی است که قبل از شمس است. نه هلالی که بعد از شمس است. خب در بیست و هشتم هم قمر طلوع می‌کند ولی قبل از شمس. چرا؟ چون هنوز به شمس نرسیده است. قبلش طلوعی است که دیده نمی‌شود. معنای طلوع این است که دیده نمی‌شود؛ «لایطلع».

41:50

«لأنه لا يطلع»؛ به‌عنوان دیده شدن، **«في الثامن و العشرين البتة، بل و قد لا يطلع في السابع و العشرين أيضا»؛** در اینجا طلوع به چه معنا است؟ «قد لایطلع فی السابع و العشرین»، آن «قد» کجا است؟ توضیح می‌دهند. می‌گویند **«ایضا ندارد في بعض الشهور مع عدم إمكان الشهر الجديد في الليلة المستقبلة»؛** اگر صبح بیست و نهم ببینند، ماه دیگر سی روز نیست. وقتی که ماه بحرانی است و سی مستقر است، در صبح بیست و نهم هم باز ماه دیده نمی‌شود. «قد لایطلع» یعنی قطعاً.

شاگرد: بیست و هفتم است.

استاد: بله، من بیست و نهم دیدم. **«بل و قد لا يطلع في السابع و العشرين أيضا»؛** من این طرف معنا کردم. آن را توضیح دادم ولی عبارت را بد خواندم.

ببینید در صبح بیست و هفتم که مکرر خودم دیدم، نوعاً هلال دیده می‌شود. یعنی هر کسی متربص باشد، بیست دقیقه ای یک ربع به طلوع، اول هلال را می‌بیند، خیلی دیدن روشن، لذا می‌گویند بیست و هشتم که نمی‌توانیم ببینیم، بلکه گاهی بیست و هفتم هم نمی‌توانیم ببینیم. این دیگر صاف است. چه زمانی نمی‌توانیم بیست و هفتم ببینیم؟ آن وقتی که ماه بیست و نه باشد. عبارت روشن است. من وقتی مطالعه کردم بیست و هفتم خواندم. الآن در مباحثه ذهنم سراغ بیست و نهم رفت.

«و في التاسع و العشرين أيضا قد يدخل و ذلك عند نقصان الشهر و قد لا يدخل عند تمامه»؛ یعنی اگر شهر تام باشد.

شاگرد: کلمه «یدخل» و «لایدخل» به چه معنا است؟

استاد: به‌معنای «یدخل الشهر» است. فرمودند: «و لا عبرة أيضا بعدم طلوعه أي طلوع القمر من المشرق في دخول الشهر...»؛ چرا «لاعبرة»؟ بیست و هشتم که «لایطلع» پس قطعاً داخل نشده. بیست و هفتم هم که قبلش است گاهی دیده نمی‌شود؛ نوعاً دیده می‌شود. پس وقتی دیده نشد نمی‌توانیم بگوییم «فهو هلال جدید». این هم قطعی است که در بیست و هفتم نمی‌توانیم بگوییم هلال جدید است.

شاگرد۲: طلوع قبل از شمس مشخص است که برای ماه قبلی است، اما اگر هلال بعد از شمس طلوع کند برای ماه جدید است.

استاد: بله، اینها روشن است. من می‌خواهم زودتر آن پنج تا را بگویم. الآن ایشان در این دو-سه سطر دارند چه کار می‌کنند؟ دارند برداشت شهید اول از روایت را توضیح می‌دهند. این چند سطر این است.

بعد می‌گویند:

«فكيف يمكن»؛ این تأیید حرف شهید است. چون شهید گفتند **«لاعبرة بعدم طلوعه الا في رواية داود»؛** شهید روایت داود را هم قبول نکردند. ایشان هم در تأیید حرف شهید می‌گویند: «فکیف یمکن»؛ یعنی روایت داود رقی سر نمی‌رسد. **«اعتبار تلك العلامة مع عدم استقامتها إلا في رواية داود الرقي عن أبي عبد اللّٰه عليه السلام»؛** فقط روایت داود رقی است که این را گفته است. و حال اینکه قطعاً صبح بیست و هشتم نمی‌توانیم ببینیم.

نمی‌توانیم بگوییم «ماهان هلال جدید». صبح بیست و هفتم هم گاهی نمی‌بینیم، نمی‌توانیم بگوییم «ماهان هلال جدید».

پس این عبارت اینجا توضیحی بود بر اینکه بگوید روایت داود رقی از حیث اعتبار جور در نمی‌آید. صبح بیست و هشتم نمی‌بینید، غروب بیست و هشتم قطعاً نمی‌توانید بگویید هلال جدید است. گاهی صبح بیست و هفتم هم حتی نمی‌بینید. قطعاً نمی‌توانید به شب بیست و هشتم بگویید هلال جدید است.

این معنای اول بود. روایت را می‌آورند و بعد می‌گویند: **«فالمصنف حمل الرؤية على ظاهرها»؛** مقصود من این «ظاهرها» است. اولی که من این را دیدم همین احتمال به ذهنم آمد. آقای شعرانی هم همین ظاهر را می‌گیرند و به روایت جواب می‌دهند که روایت غلط است و با ضوابط هیئت جور در نمی‌آید. پس شهید معنای ظاهر را می‌گویند. ایشان هم همین را می‌گویند.

«مع منافرة لفظ الهلال له»؛ ظاهر روایت این است ولی هلال گفته نمی‌شود. «اذا طلب الهلال هنا غدوتا»؛ «غدوتا» که شهید گفتند یعنی «اذا طلب الهلال قبل المقارنة»، یعنی آن هلالی که زودتر از شمس طلوع می‌کند. بعد می‌گویند به اینکه هلال نمی‌گویند. هلال برای شب اول و دوم و سوم است، نه برای آخر ماه.

«إلا أن يكون من باب المشاكلة للهلال الجديد»؛ این هم شبیه آن است. ولی ظاهراً به صرف شباهت نیست، بلکه به آن هم هلال اطلاق می‌شود. **«حكم بعدم اعتبار العلامة»؛** چرا شهید گفته اند این روایت درست نیست؟ **«لعدم استقامتها كما عرفت مع ضعف سند الرواية».** پس حرف شهید درست نیست.

در یک کلمه حرف شهید این شد: «اذا طلب الهلال»، هلال طالع قبل از شمس «غدوتا، فلم یر فهو هنا فی جانب المغرب هلال جدید». می‌گویند این غلط است. صبح بیست و هشتم هلال را نمی‌بینیم، آیا بیست و نهم آخر ماه می‌شود؟! گاهی صبح بیست و هفتم هم نگاه می‌کنیم ولی هلال را نمی‌بینیم، آیا بیست و هشتم اول ماه می‌شود؟! احدی چنین چیزی نمی‌گوید. قطعاً درست نیست. پس روایت با اعتبار منافات دارد.

شاگرد: این «غدوتا» یعنی غدوه بیست و هفتم، غدوه بیست و هشتم؟

استاد: بله. این فرمایش ایشان بود. من به گمانم ظاهرش هم همین است. حالا من می‌گویم صبح بیست و نهم، به توضیحی که بعداً عرض می‌کنم. فعلاً این معنایی است که شهید می‌گویند. گفتهاند قطعاً با اعتبار مخالف است.

گر صبح بیست و نهم بگیریم، با اعتبار مخالف نیست به یک بیانی. ولو باز مشکل فقه الحدیث دارد.این معنای اول بود.

آقا رضی خوانساری چهار معنای دیگر هم ذکر می‌کنند. دومین آنها همین است که سید فرمودهاند. دومین معنا همین معنای سید بحر العلوم و جناب فیض در وافی است. عبارت این است: «و يحتمل أن يكون المراد أنه إذا طلب الهلال بمعناه المتعارف في المشرق غدوة أي قبل الزوال في الثلاثين»؛ نه بیست و هفتم، و بیست و هشتم. بلکه مراد «في الثلاثين» است؛ مرادش این است که بعد از شمس طلوع می‌کند، و آن را قبل از زوال می‌بینیم و علامت این است که امروز از شهر آتی باشد.

«و يحتمل أيضا أن يكون المراد بقوله عليه السلام فلم ير أي في الليلة الماضية»؛ درست مقابل این احتمال قبلی است. دو قول دیگر می‌ماند که ان شاالله فردا عرض می‌کنیم.

همچنین ردیه آقای شعرانی در حاشیه وافی را هم نگاه کنید. از این روایت جواب میدهند. این اقوال پنج گانه با جواب آقای شعرانی را اگر خوب در نظر گرفتیم آن وقت این احتمال که آیا صبح بیست و نهم در روایت محتمل هست یا نه، را بحث میکنیم.

والحمد لله رب العالمین

---

[1] الدروس الشرعية في فقه الإمامية؛ ج۱، ص: ۲۸۵

[2] الوافي، ج۱۱، ص: ۱۴۹

[3] تكميل مشارق الشموس في شرح الدروس؛ ص: ۴۷۱

بازبینی #1
ایجاد شده 28 آوریل 2026 12:42:05 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 آوریل 2026 12:52:42 توسط ... .